نامه اقبال

روح بخشان، ع

نامه اقبال: یادنامه اقبال یغمایی (1295-1376)، به کوشش سیدعلی آل‏داود، تهران، انتشارات هیرمند، زمستان 1377، 728ص، تصویر.

بزرگ‏داشت بزرگان علم و ادب سُنت حسنه‏ای است که از قدیم الایام در ایران رواج داشته و در سال‏های اخیر رونقی پردامنه یافته است. یکی از جلوه‏های آن نشر مجموعه‏ای است شامل مقالات تحقیقی کمابیش مربوط به زمینه کار و پژوهش شخصیت مورد نظر به قلم دوستان و ارادتمندان و همکاران او. متولّی گردآوری مقالات و نشر این مجموعه‏ها، که عنوان یادنامه یا نامواره برای آنها اختیار شده، هرگاه خود اهل فن و به خصوص از نزدیکان و منسوبان شخصیت مورد تجلیل باشد مرغوبیت محصول کار بیشتر تضمین می‏شود.

نامه اقبال، حاوی «چهل و پنج گفتار در زمینه تحقیقات ایرانی»، جامع این مشخصه‏ها و اثری پرمایه و سودمند است. چند نوشته درباره زندگی و آثار شادروان اقبال یغمایی (ص13-95)، مدخل کتاب و در واقع رساله‏ای است کامل درباره احوال و آثار شخصی که قریب شصت سال قلم زده و تألیف و ترجمه کرده و ده‏ها کتاب و بیش از دویست مقاله از خود برجا گذاشته است.

در این نامه، بخش درخور توجهی (99-307) به «تاریخ و علوم اجتماعی» تخصیص یافته و حاوی نوشته‏هایی است به قلم استادان و پژوهندگان صاحب نام، از جمله ایرج افشار، عنایت‏اللّه‏ رضا، منوچهر ستوده، منصوره اتحادیه، سیدصادق سجادی، و علی بلوکباشی.

بخشی (ص311-450) نیز به «زبان و ادبیات فارسی» اختصاص دارد با آثاری از استادان و محققان نامدار مثل محمدرضا شفیعیِ کدکنی، احمد سمیعی (گیلانی)، حبیب یغمایی، محمد روشن، محمد سلیم‏اختر.

«تحقیقات عرفانی» هم طبعا جای خاص خود را دارد با آثاری از ارباب علم چون نصراللّه‏ پورجوادی، سیدجعفر سجادی، جلیل مسگرنژاد.

می‏دانیم که شادروان اقبال یغمایی در روستای خور (بر وزن نور)، در کناره غربی کویر نمک، بر سر راه کاشان به یزد، زاده شده است و لذا ضروری بوده است که در مجموعه صفحاتی وقف وصف و شرح زادگاه او شود. خور روستایی است دورافتاده و گمنام، و اگر در قرن گذشته نامی از آن به میان آمده عمدتا به سبب ماجراهای مربوط به نایب حسین کاشی و ایادی او بوده است. به سبب همین گمنامی است که این روستا در تحقیقات فرنگیان محلی پیدا نکرده است. خود ایرانیان هم کمتر عنایتی بدان داشته‏اند. آنچه در «بخش پنجم» کتاب با عنوان «خور و بیابانک» گرد آورده شده (ص509-663) فقدان یا کمبود تحقیقات علمی در این زمینه را ثابت می‏کند.

بخش ششم کتاب مختص «نوشته‏های چاپ نشده اقبال یغمایی» است که ظاهرا همه آنها را در بر نمی‏گیرد و مشتمل است بر «روابط خانوادگی منتخب‏السادات جندقی و حاج سیدعلی کَهْیازی»، «مقدمه کتاب داستان‏های پهلوانی ادب فارسی» که چندی پیش از چاپ در آمد، و «مقدمه دانستنی‏های علمی». حاج سیدعلی کهیازی و سیداحمد یزدان‏بخش ـ که در نوشته مذکور از او هم یاد شده است ـ از شخصیت‏های ممتاز و دانشمند و مردم‏دوست منطقه اردستان بوده‏اند و آقای محمد گلبن اطلاعات دقیق و نفیسی از زندگی و احوال و آثار آنان دارد که جا داشت در این مجموعه ارائه می‏شد.